مذهب و جهانی سازی

**مزیت ها و چالش ها**

**نویسنده: مفاهیم ال آذوری[[1]](#footnote-2)\***

چکیده: به زودی مذاهب یک زمینه حاصلخیزی را پیدا خواهند نمود و در مسیری گام خواهند نمود که دیدگاه آنها را به صورت جهانی تقویت و گسترش خواهد داد. با قدردانی از جهانی سازی، مذهب، به خصوص اسلام، همانند الگوهای فرهنگی، خواهد توانست تا به طور وسیع و گسترده ای فراتر از منشأ و جایگاه اصلی خویش توسعه پیدا کند. با این وجود، تا زمانی که مذهب جایگاه محکم خویش را از جهانی سازی به دست نیاورد، افزایش های چندگانه مستمر آن به چالش کشیده می شوند. با وجود آنچه که گفته شد، مقاله کنونی نشان می دهد مذهب، با در نظر گرفتن اسلام به عنوان یک نمونه که معنای قابل توجهی را به دلیل جهانی سازی به دست آورده است، این تأثیرات چندگانه را به مبارزه خواهد طلبید و به این مورد اخیر نزدیک خواهد شد. این مقاله نشان می دهد که به نوبه خود، جهانی سازی را از این جهت به چالش خواهد کشید که با معیارهای جهانی سازی کنونی همانند لیبرالیسم (آزادی خواهی)، مصرف گرایی، نژاد گرایی ... تطابق و سازگاری پیدا نخواهد کرد.

کلمات کلیدی:

مذهب، اسلام، جهانی سازی، چندگانگی (دوگانگی)، کاهش دوگانگی (چندگانگی) گرایی

مذهب و جهانی سازی در یک رابطه انعطافی ثابت و یکنواختی درگیر شده اند که در آن مذهب بر روی جهانی سازی به منظور ترقی و پیشرفت آن تکیه دارد در حالی که در همان زمان تأثیرات دوگانه گرایی (جهانی سازی) را به چالش می کشاند. جهانی سازی به دلیل پیدایش و ظهور فن آوری حمل و نقل و ارتباطات و نقش هایی که توسط رسانه ها ایفا می شود، به فساد و تباهی و تیره و تار نمودن فضاها و مکان های جغرافیایی و محدوده های مرزی نسبت داده می شوند. این موضوع به طور آشکاری در ایجاد جهان به عنوان یک دهکده کوچک که مردم، فرهنگ ها و هویت ها به صورت روزمره و تماس چهره به چهره با همدیگر مواجه می شوند، منتج می شود.

بدون شک، مذهب از این تغییرات و تأخیرات تازه به وجود آمده از طریق جهانی سازی ایمن نمانده است، اگرچه مذاهب هنوز دارای جایگاه های مرتبط خود در مکان های قلمروی خاص هستند که اصولاً پدیدار شده و مکان های مقدس مرتبط با آنها هنوز هم وجود دارند، طبیعت درونی و هدف کلی آنها که می بایستی در آغوش گرفته شده و پذیرفته شوند و فعالیت آنها که می بایستی توسط همه مردم در سرتاسر دنیا پذیرفته شوند تا اندیشه ها و تفکرات و فعالیت های آنها در سرتاسر مکان های جغرافیایی جهان گسترش و توسعه پیدا کنند، وجود دارند.

بنابراین به منظور پدیدار شدن و گسترش و توسعه یافتن مذاهب می توانند استفاده خوبی از فن آوری های جهانی سازی بنمایند. وجود محدودیت ها و خطوط مرزی محو و نابود شده و کم رنگ شده و از بین رفته، مذاهب گسترش و توسعه و دستیابی به هر نقطه از جهان را سهل و آسان یافته اند.

با این وجود، چون جهانی سازی، بر طبق نظر محققین هدف آن دوگانه سازی فرهنگ های جهانی حول الگوی فرهنگ غربی و آمریکایی است و چون که آن معیارها و ارزش های آزادی، مذهب را محدود می سازد مذهب (به خصوص اسلام) با آن به چالش برخاسته است، چون که معیارها و ارزش های آن (اسلام) با نمونه ها و انواع آزادی جهانی سازی غیرقابل تلفیق و ادغام می باشند. بنابراین، این بخش بر روی بقا و تجدید حیات مذهب به دلیل جهانی سازی سایه افکنده و راه و روشی که این مذهب در بردارد و آن را تشکیل داده است. تأثیرات جهانی سازی را به چالش می کشاند. مذهبی که ما در این مقاله و رساله تحقیقاتی بیشتر بر روی آن تکیه و تمرکز خواهیم نمود، اسلام است. بنابراین معیارها و ارزش های آن که جهانی سازی را به مبارزه و چالش می کشاند به طور آشکاری به تصادم ها و برخوردهایی سوق پیدا کرده اند و بنابراین باعث از بین رفتن دوگانگی یا بعضاً چندگانگی گردیده اند.

جهانی سازی یک نقش حیرت آوری را در فراهم کردن زمینه لازم برای حفظ و بقاء و تجدید حیات کنونی مذهب ایفا می نماید. امروز، بیشتر مذاهب به کشورهای جدیدی که ریشه های آنها از آنجا نشأت گرفته اند پیدا نمی کنند.

در حقیقت، مذاهب در یک مقیاس جهانی گسترش و تصادم یافته اند. با بهره برداری و ارج نهادن به جهانی سازی، مذاهب یک محیط و قلمرو حاصلخیز و باروری را برای گسترش و توسعه و رشد مناسب به دست آورده اند. همانطوری که جان آآرت اسکاتل روشن و تصریح نموده است، جهانی سازی سریع و گسترده عصر کنونی، دینداران های مشترک را در سرتاسر این سیاره توانمند ساخته تا تماس و ارتباط وسیع تر و مستقیم با یکدیگر داشته باشند. ارتباطات جهانی، سازمان های جهانی، شرایط مالی جهانی و همانند آن ایده های واژه تحول گرایی است مسلمان و کلیسای مسیحی جهانی را مجاز و ممکن ساخته تا شکل کامل و جدیدی به آنگونه که قبل وجود نداشته است را ارائه نماید.[[2]](#footnote-3)

فن آوری های اطلاعات، ابزارهای حمل و نقل و رسانه های جمعی به حدی مهم هستند که بر اساس آنها دینداران در گسترش و توسعه ایده های مذهبی خود بر روی آنها تکیه می نمایند. برای مثال شبکه های بیشماری در حال فراهم اطلاعات درباره مذاهب هستند. این اقدام بخش های کوچک اطلاعاتی و توضیحات را درباره مذاهب مختلف فراهم می سازند و در دسترس هر فردی بدون توجه به محل یا موقعیت جغرافیایی افراد قرار می گیرند. علاوه بر این، اینترنت به افراد اجازه می دهد در مقیاس وسیع جهانی با هم در ارتباط باشند و بنابراین محل ها و موقعیت ها و بانک های اطلاعاتی مناسب را برای همدیگر فراهم می سازند تا ایده های مذهبی آنها گسترش و توسعه پیدا نماید.

علاوه بر این، رسانه ها همان نقش مهم را در انتشار و گسترش ایده های مذهبی ایفا می نمایند. از این جنبه، کانال های تلویزیونی زیاد، ایستگاه های رادیویی و رسانه های چاپی و منحصراً برای دفاع از مذاهب پایه گذاری نموده اند. با در نظر گرفتن اسلام به عنوان یک نمونه، کانال های تلویزیونی مثل اقراء، الناس، مجد، الهداء، الرحمه و... را می توانیم مشاهده کنیم که کانال های کاملاً مذهبی هستند و برای استحکام و ثمربخشی و تقویت اسلام ایجاد شده اند. وسایل حمل و نقل، به عنوان یک فن آوری جهانی سازی به همان میزان، دارای سهم قابل توجهی به پیدایش، تقویت و بقاء مذهب دارند. از این جنبه، اس. برایان ترمز می گوید که تداوم و بقا اسلام در آسیا به اصلاح سیستم حمل و نقل ارتباط دارد که بسیاری از مسلمانان را اجازه داد تا به مکه رفت و آمد کنند و ایده های خود را اصلاح و تجدید نمایند. بنابراین فن آوری های جهانی سازی به مذهب کمک کرده اند تا شکل های مختلف، مثل بنیادگرایی، میانه رو ... را تشکیل دهند و از محدوده های مرزی و جغرافیایی فراتر رفته و آنها را پشت سر نهند و در هر کجای جهان حضور داشته باشند.[[3]](#footnote-4)

با قدردانی و بهره گیری از جهانی سازی، مذهب و یا اعتقادات دینی، اهمیت قابل توجهی را به عنوان یک سنگ بنای غیرقلمروی از جنبه هویت کسب نموده است.[[4]](#footnote-5)

با داشتن یک منبع و منشأ هویتی و غرور، مذهب همیشه از طریق آنهایی که تلاش می کنند تا به سطحی از جهانی بودن و در آغوش گرفته شده به وسیله افراد بیشتر در جامعه، برای مثال مسلمان ها، از تعیین و برقراری امت اسلامی که همان جامعه ای از پیروان است، الهام گرفته است.

قدم گذاردن در این مسیر برای مذاهب که با همدیگر ارتباط برقرار نمایند و زمینه ای را برای شکوفایی و گسترش و توسعه خود پیدا نمایند، جهانی سازی اینگونه مذاهب را در دایره ای از رقابت و تضاد قرار داده است. همانطوری که ترنر اس. براین اشاره نموده است: جهانی سازی مذهب اصلی را به یک سیستم جهانی رقابتی و اختلاف و کشمکش با مذاهب تغییر وضعیت داده است. این فرآیند تخصصی سازمانی فعالیت های فرهنگی، طبقه بندی شده و متفاوت منطقه ای را به سیستم های قابل درک و شناخت مذهبی تبدیل و تغییر وضعیت داده است. بنابراین جهانی سازی دارای تأثیر متضادی بر روی این داشته است تا مذاهب (از طریق رهبران و نخبگان مذهبی) به خودآگاهی بیشتر خود به عنوان مذاهب جهانی سوق پیدا نمایند.[[5]](#footnote-6)

اینگونه اختلاف و تضاد در میان مذاهب جهانی یک مدرک و گواهی محکم و جدی را نشان می دهد که کاهش و عدم موفقیت دوگانگی را تأیید می نماید. جهانی سازی به همانگونه که در بالا به آن اشاره شد، باعث شده است که مذاهب از وجود خودشان به عنوان مذاهب جهانی تقویت کننده هویت های خاص مرتبط آنها آگاه تر و هوشیارتر گردند.

این هویت ها از طریق جهانی سازی تقویت شده اند و نمی توانند به هر طریقی درهم آمیخته شوند و یا ترکیب دوگانه ای پیدا نمایند. از آن جایی که ساختارهای درونی و مجزای مذاهب و ارتباطات آنها با فرهنگ های مختلف و گنجایش راه ها و روش های عبارت و پرستش آنها، در مقایسه با اسلام و مسیحیت، متضاد و متفاوت هستند و بیشتر با همدیگر قابل انطباق نیستند، اینگونه مذاهب نمی توانند درهم ترکیب و یا همگن سازی شوند و همانطوری که ادعا می شود، آنها همیشه در تماس و تضاد و تقابل با یکدیگر قرار دارند. اینگونه مذاهب، در نتیجه، تمایل دارند تا به سوی این رقابت ها و تضادها سوق پیدا نمایند.

اگرچه مذهب از طریق جهانی سازی تقویت و بارور شده است، یک چالش با تأثیرات دوگانه (جهانی سازی) را نشان می دهد. مذهب به جستجوی حمایت و دفاع از هویت خود در حضور جهانی سازی می باشد. در نتیجه هویت های مختلف مذهبی در پیش رو قرار دارند و خودشان را مورد حمایت قرار می دهند. اسکاتل، از این جنبه می گوید که در همان زمان با تعقیب و دنباله روی از طریق کانال های جهانی سازی، حمایت ها و دفاعیات هویت مذهبی، همانند تلاش های ملی، اغلب به طور خاص یک واکنش تدافعی برای جهانی سازی تلقی می گردند. در اینگونه موارد، تجدید حیات مذهبی در یک نوع از حمایت و پشتیبانی گرایی فرهنگی غیرقلمروی یا ناپیوسته از نظر محدوده و مرز جغرافیایی، به خصوص برای آنهایی که جهانی سازی را با مخالفت ها و تعدی های غرب گرایی و آمریکایی گرایی همراه می دانند، جلا یافته است.[[6]](#footnote-7)

جهانی سازی، به عنوان یک پروژه آمریکایی و غربی، همراه با غرب گرایی و آمریکایی گرایی می باشد اقتدار و تسلط و برتری از طریق این دو فرآیند به دست می آید، به خصوص در کشورهای جهان سوم و باعث می شود که هویت ها و فرهنگ های مرتبط با مذاهب، معیارهای تدافعی را برای حمایت و پشتیبانی از خود کسب نمایند.

از این جنبه، اسلام احتیاط هایی را در دست گرفته و با نیروها و عوامل تعرض آمیز جهانی سازی مبارزه می کند و در مقابل آنها قرار گرفته است و فرهنگ ها و روش های امرار معاش آن را به چالش می کشاند. اسلام نمی تواند به فرآیندهای دوگانه جهانی سازی ارتباط برقرار نماید، چون که نه تنها همیشه نسبت با جهانی سازی مقاومت می نماید، بلکه بدبین و بدگمان هم می باشد چون که فرهنگ و هویت اسلامی به طور کلی با معیارها و ارزشیابی که به جهانی سازی و مذاهب مجزای دیگر مرتبط می باشند، قابل سازگاری و انطباق پذیر نمی باشد. (مثل مسیحیت و یهودیت ...)

تطابق و سازگاری مذاهب با اینگونه معیارهای جهانی سازی مثل آزادی، مصرف گرایی، سخت و مشکل می باشد. اینگونه پدیده ها از علم گرایی و سکولارگرایی (اعتقاد بی دینی) حمایت می نمایند. در همین راستا، اسکولت از ایمان و اعتقادات چند منطق و تعقل گرایی سخن می گوید. چون که او تعقل گرایی را با جهانی سازی برابر و یکسان می داند و مذهب را ضدتعقل و تفکر می پندارد، می توان گفت که با این معنا و مفهوم، مذهب ضد جهانی سازی تلقی می گردد. برای این منظور اسکوتل می گوید که: روابط قابل تغییر و انتقال در تحریک و حفظ بازآفرینی ها و احیاء مجدد ایمان و عقیده ضدتعقل گرایی کمک شایانی نموده است، اما شبکه های جهانی به میزان زیادی فعالیت های درگیر در علم و آگاهی تعقل گرایی را افزایش و ارتقاء داده است. جنبش های تجدید حیات معاصر یک تمایل وسیع و گسترده ای را به طور جدی دوباره احیا و فراهم ساخته اند- یکی که به خوبی جهانی سازی معاصر را به گذشته نسبت می دهد- و بنابراین دایره های مذهبی معین از این زمان بر علیه سکولاریسم و علم گرایی معاصر و مدرن در حالت دوری و انزجار قرار گرفته اند.[[7]](#footnote-8)

می توان گفت که کیفیت های ضدتعقل گرایی که به مذهب نسبت داده می شوند، می توانند ویژگی های اصول گرایی و بنیادگرایی و شکل ها و حالت های افراطی گرایی مذهبی هستند.

ما نمی توانیم مذهب را به عنوان ضدتعقل گرایی در نظر بگیریم، چون که افراد مذهبی زیادی دلیل و منطق را می پذیرند و به روندها و روش های متعادل در میان مذاهب خود ایمان و اعتقاد دارند.

اگرچه، تعقل گرایی محض جهانی سازی در اینگونه پدیده ها به عنوان لیبرالیسم و سکولاریسم آشکار و هویدا می گردد، می توانند با معیارها و ارزش های مذاهبی مشخص چون اسلام غیرقابل سازگار و تطابق باشند.

معیارها و ارزش های اسلامی آنهایی را که از جهانی سازی حمایت می کنند در تضاد می باشد همانطوری که انوشیروان احتشامی اشاره می کند، جهانی سازی فقط به عنوان یک رقیب روش های اسلامی تلقی و مشاهده نمی گردد، بلکه یک عامل یا نیروی ناسازگار جدا شده از هویت های اسلامی است. تأکید بر روی تأثیر منفی این اخلاقیات سست و بی بنیان زندگی غربی یک ویژگی روزانه از امواج در خاور میانه است.[[8]](#footnote-9)

همانطوری که نویسنده می گوید: از نظر مسلمانان، جهانی سازی منبع و منشأ اخلاقیات سست و بی بنیان عربی هاست. الهامات امپریالیستی جهانی سازی و عدم تطابق و سازگاری آن با اسلام باعث شده است که جهانی سازی به طور کاملی با هویت ها و واقعیت در این راستا، پیشرو و پیشگام محقق اسلامی، سلیم ال، آووا، می گوید همانطوری که توسط احتشامی بازگویی شده است جهانی سازی یک مهاجم تلقی می گردد. چون که در آن محوریت و معنا و پایه خود را در بحث و گفتگوی غربی پایه گذاری نموده است.

ال آوا اضافه می نماید که: ارتقاء و درگیر شدن با آن از نظر مسلمانان شبیه پذیرفتن و ارتقاء معیارهای فرهنگی و برتری و استیلای غربی تلقی می گردد.

مفهوم و منظور ال آوا از نگرانی و ترس او از این چالش برگرفته شده است که به طور روزافزونی از طریق جهانی سازی بر روی مذهب آشکار و هویدا شده است. این درک و شناخت، در حقیقت به نظر می رسد که کوتاه نظرانه باشد، چون که هویت های مذهبی می بایستی از طریق نوآوری های جهانی سازی برای حمایت ها و استحکام بخشی ها بر آن مورد پیگیری و بررسی قرار گیرد.

چالش جهانی سازی با مذهب به طور اتوماتیک به چالش های مذهبی با جهانی سازی ارتباط پیدا می نمایند.

به عبارت دیگر، در حالی که مذهب احتیاطات لازم را برخلاف معیارها و ارزش های مرتبط با جهانی سازی اتخاذ می نماید، جهانی سازی را به چالش می کشاند چون که (مذهب) تأثیرات دوگانه آن را تأیید نمی نماید. ایده تأثیرات شدید و جدی دوگانگی بر روی مذهب هم توسط ساموئل هانتینگ تون در تئوری تصادم مورد تأیید قرار گرفته است که تصریح می نماید اینگونه دوگانگی شدید و جدی هم از تقسیم بندی و تصادم های مذهبی سرچشمه گرفته اند.

Anoushiravan, Ehteshami,*Globalization and Geopolitics in the Middle East: Old Games, New Rules*,

London: Routledge, 2007;

Haynes, Jeffrey, “Review: Religion and International Relations in the 21st Century: Conflict or

Co-operation?”*Third World Quarterly*, Vol. 27, No. 3, (2006);

Huntington, Samuel P.,*The Clash of Civilizations and The Remaking of World Order*, London: The

Free Press, 1996;

Turner, Bryan S., “Globalization, Religion and Empire in Asia”, in*Religion, Globalization and*

*Culture*, ed. Beyer P. and Beaman L., Leiden: Koninklijke rill NV, 2007;

Scholte, Aart J.,*Globalization: a Critical Introduction*, New York: Palgrave Macmillan, 2005.

1. \* دانشگاه عبدالمالک اسدی، دانشکده دانش و حکمت، مراکش [↑](#footnote-ref-2)
2. - جان آآرت اسکات، جهانی سازی: مقدمه ای انتقادی و مهم، نیویورک، مک میلان سال 2005 ص 245 [↑](#footnote-ref-3)
3. - بریان اس. تومز به جهانی سازی، مذهب و امپراطوری در آسیا، در مذهب جهانی سازی فرهنگ، ویرایش: بایرپی و بیمان اِل، نیدین سال 2007 ص 163 [↑](#footnote-ref-4)
4. - بر طبق نظر جفری هاینز، بسیاری از مردم هویت های خود را از طریق نپذیرفتن جهانی سازی به جای استفاده از آن ارتقاء داده و یا به آن توسل می جویند. از این جنبه او تصریح می کند که مدرنیزه شدن به عنوان یک کیفیت قابل الهام از جهانی سازی، متضمن سیستم های ارزش سنتی شده و به فرصت های بسیار نابرابر سوق پیدا کرده است. همانطوری که او تصریح می کند: این می تواند مردم را به احساس عدم هدایت و مشکل دار بودن سوق دهد و می تواند حداقل به نوبه خود، مذهب را به عنوان سرچشمه و منشأ امنیت و آرامش القاء نماید. در راستای انجام این موضوع، هدف دستیابی به حس جدید و نوآوری شده هویت است، چیزی که به زندگی و اهداف آنها معنای بیشتری می بخشد. برخلاف آنچه که در دیدگاه عموم مردم وجود دارد، جهانی سازی به تجدید حیات مذهب سوق یافته است. هانیز اصرار دارد که این تجدید حیات مذهب می تواند نپذیرفتن و رد کردن جهانی سازی باشد. جفری هاینز: ارزیابی مذهب و روابط بین الملل در قرن 21: تضاد یا همکاری؟ فصلنامه سوم جهانی، جدل 27، شماره 3 (سال 2006 ص 538) [↑](#footnote-ref-5)
5. - براین اس. ترنر: جهانی سازی، مذهب و امپراطوری در آسیا، درباره مذهب جهانی سازی و فرهنگ، ویرایش بایر پی و بی مان. ال. لیدن سال 2007 ص 146 [↑](#footnote-ref-6)
6. - اسکاتل: جهانی سازی، مقدمه ای انتقادی ص 254 [↑](#footnote-ref-7)
7. - همان منبع ص 261 [↑](#footnote-ref-8)
8. - احتشامی- انوشیروان: جهانی سازی و ژئوپولتیک در خاورمیانه، بازی های قدیمی، قوانین جدید. لندن زوتل اپچ سال 2007 ص 130 [↑](#footnote-ref-9)